

بازار موبایل فقط ارز می‌بلعد!

بازاری به وسعت یک جمعیت ۸۵ میلیونی، هر سال میلیون‌ها گوشی تازه را در خود می‌بلعد و میلیاردها دلار ارز را از چرخه اقتصاد خارج می‌کند. تلفن همراه در ایران دیگر یک کالای لوکس محسوب نمی‌شود، بلکه به زیرساخت زندگی روزمره، کسب‌وکار و آموزش بدل شده‌است.
باین حال، سهم تولید داخلی از این بازار گسترده همچنان اندک باقی مانده و تراز ارزی آن به شکل معناداری منفی است. گزارش تازه مرکز پژوهش‌های مجلس از وضعیت کنونی صنعت گوشی تلفن همراه نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری‌های گذشته نتوانسته‌اند جایگاه ایران را در زنجیره ارزش جهانی این صنعت ارتقا دهند. این گزارش ضمن تشریح ساختار بازار داخلی و الگوی واردات، تجربه برخی کشورهای منطقه را بررسی کرده و مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های سیاستی را برای کاهش ارزی و تقویت تولید داخلی مطرح می‌کند.

■ ■ ■

صنعت گوشی تلفن همراه طی دو دهه اخیر در جهان دگرگونی عمیقی را تجربه کرده‌است. ساختار یکپارچه تولید جای خود را به شبکه‌ای پیچیده از طراحان، تولیدکنندگان قطعات، شرکت‌های نرم‌افزاری و برندهای بین‌المللی داده‌است. در این ساختار جدید، بیشترین ارزش افزوده در بخش تحقیق و توسعه، طراحی محصول، مدیریت برند و بازاریابی شکل می‌گیرد و سهم مونتاژ نهایی از کل ارزش محصول محدود باقی می‌ماند. از همین رو، کشورهایی که به دنبال ورود به این صنعت هستند، ناگزیرند جایگاه خود را در این زنجیره به‌دقت تعریف کنند. بازار ایران از منظر تقاضا، بازاری بزرگ و پایدار به شمار می‌رود. سالانه حدود ۱۵ میلیون دستگاه گوشی تلفن همراه در کشور مصرف می‌شود و برآوردها نشان می‌دهد که بین ۳ تا ۳ میلیارد دلار ارز برای تأمین این نیاز هزینه می‌شود. این رقم، صنعت موبایل را در زمره ارزبرترین حوزه‌های وارداتی اقتصاد ملی قرار می‌دهد. با وجود چنین ظرفیتی، تولیدکنندگان داخلی سهم اندکی از بازار را در اختیار دارند و بخش عمده تقاضا از طریق واردات برندهای خارجی تأمین می‌شود.

آمارهای ثبت شده تا شهریور ۱۴۰۴ نشان می‌دهد در مجموع حدود ۱۰۶ میلیون دستگاه گوشی هوشمند، دکمه‌ای و تبلت در کشور فعال است. از نظر تعداد، برند کره‌ای سامسونگ با ۴۶ درصد بیشترین سهم را در اختیار دارد. پس از آن شیائومی با ۲۳ درصد، نوکیا با ۱۳ درصد و اپل با ۶ درصد قرار دارند.
باین حال، از منظر ارزش ریالی بازار، به دلیل قیمت بالاتر محصولات اپل، سهم این برند از نظر ارزشی فراتر از سهم تعدادی آن برآورده می‌شود.

تمرکز بازار بر گوشی‌های اقتصادی

بررسی ترکیب قیمتی بازار نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد گوشی‌های مصرفی در بازه قیمتی کمتر از ۳۰۰ دلار قرار دارند. باین حال، نیمی از کل ارز تخصیص یافته به واردات موبایل صرف گوشی‌های بالای ۳۰۰ دلار می‌شود که تنها حدود ۲۰ درصد بازار را تشکیل می‌دهد. این عدم توازن، فشار مضاعفی بر منابع ارزی کشور وارد می‌کند و ضرورت مدیریت هفقمند واردات را برجسته می‌سازد.

گزارش مرکز پژوهش‌ها تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری در این حوزه باید تدریجی، واقع‌بینانه و مبتنی بر اهداف مشخص باشد. مدیریت ارزی، حمایت از اشتغال و بهره‌گیری از سرمایه انسانی توانمند کشور از جمله محورهایی است که می‌تواند مبنای تدوین راهبرد صنعتی قرار گیرد. ایران از مزیت‌هایی همچون بازار بزرگ داخلی، نیروی انسانی تحصیل‌کرده و امکان ارائه خدمات نرم‌افزاری و شخصی‌سازی شده برخوردار است و در صورت طراحی سیاست‌های هماهنگ می‌تواند بخشی از زنجیره ارزش را در داخل توسعه دهد.



تجربه منطقه‌ای از مونتاژ تا صادرات

مطالعه تجربه کشورهای منطقه نشان می‌دهد ورود به صنعت موبایل بدون حمایت سیاستی منسجم دشوار است. پاکستان با اجرای سیاست‌های تعرفه‌ای پلکانی، الزام برندهای خارجی به همکاری با تولیدکنندگان داخلی و ارائه معافیت‌های مالیاتی توانسته است حدود ۹۵ درصد نیاز بازار خود را از طریق مونتاژ داخلی تأمین کند، و حتی به صادرات دست یابد.

در نمونه‌ای دیگر، هند با اجرای برنامه «Make in India» و مشوق‌های تولید موسوم به «PLI» مسیر متفاوتی را پیموده‌است. این کشور با اعمال تعرفه بالا بر واردات گوشی کامل و تعرفه پایین‌تر بر قطعات، انگیزه تولید داخلی را افزایش داده و به صادرات موبایل خود را از چند صد میلیون دلار در سال ۲۰۱۷ به حدود ۱۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ رسانده‌است. این تجربه نشان می‌دهد که ترکیب سیاست‌های تعرفه‌ای، مشوق‌های سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری می‌تواند در مدت زمانی نسبتاً کوتاه نتایج ملموسی ایجاد کند.

پیشنهاد‌های سیاستی برای ایران

گزارش مرکز پژوهش‌ها برای بازار ایران سه سطح سیاستی پیشنهاد می‌کند. در حوزه گوشی‌های دکمه‌ای، تأمین کامل نیاز از طریق تولید داخلی و افزایش تدریجی عمق ساخت داخلی از مونتاژ ساده به تولید قطعات در دستور کار قرار می‌گیرد. همچنین محدودسازی تعداد مجوزهای تولید با هدف ایجاد صرفه مقیاس و حمایت از صادرات به کشورهای همسایه پیشنهاد می‌شود. در بخش گوشی‌های هوشمند تا سقف ۶۰۰ دلار، رویکردی ترکیبی شامل تولید به‌صورت CKD، SKD، همکاری با شرکت‌های طراحی و حتی واردات هدفمند مطرح می‌شود. تخصیص ارز اولویت‌دار به تولیدکنندگان داخلی و هدف‌گذاری برای صرفه‌جویی دست‌کم ۲۰ درصدی نسبت به واردات مدل‌های مشابه از دیگر پیشنهادها به‌شمار می‌رود.

برای گوشی‌های بالای ۶۰۰ دلار نیز اعمال تعرفه پلکانی حداقل ۱۵ درصد با هدف مدیریت مصرف ارزی توصیه می‌شود. این رویکرد قرار است منابع ارزی را به سمت کالاهای برتر تقاضاتر و تولیدپذیرتر هدایت کند. در بخش ساختار ارزش زنجیره ارزش جهانی همراه باشد. تمرکز صرف بر مونتاژ بدون برنامه از تقای فناوری، ارزش افزوده محدودی ایجاد می‌کند. در مقابل، پیوند تولید سخت‌افزار با توسعه نرم‌افزار، خدمات پس از فروش و برندسازی می‌تواند مزیت رقابتی پایدارتری ایجاد کند.

بازار موبایل ایران ظرفیتی قابل توجه در اختیار سیاست‌گذاران قرار داده‌است. اگر این ظرفیت با برنامه‌ریزی دقیق، ثبات مقررات و حمایت هدفمند همراه شود، می‌تواند بخشی از فشار ارزی کشور را کاهش دهد و فرصت‌های جدیدی برای اشتغال و توسعه فناوری فراهم آورد. در غیر این صورت، بازار بزرگ داخلی همچنان به سکوی برای مصرف محصولات خارجی بدل خواهد ماند و سهم ایران از این صنعت جهانی در سطحی حداقلی باقی خواهد ماند.

سیاست‌های ارزی ناکارآمد بازار را به سمت التهاب و بی‌ثباتی کشانده است

«خطاهای سیاستی» مقصر آشفتگی اخیر بازار

افزایش بیش از ۴۰ درصدی قیمت ارز در کمتر از یک ماه نشان می‌دهد

مجموعه‌ای از تصمیمات نادرست در تخصیص منابع ارزی و شیوه تبدیل درآمدهای نفتی بازار را به سوی بی‌ثباتی سوق داده است

است و متأسفانه چون قدرت و رانت برای آن عده حذف شده‌است، به دنبال پیوند دادن موضوعات بی‌ربط به هم هستند.

وی ادامه داد: متأسفانه وقتی از مسئولان سابق می‌پرسیدیم آقا دلار گران شده‌اند و به مرز بسیار بالایی رسیده‌است، با لبخند می‌گفت که آن ارز، از واقعی با غیرواقعی خواندن این بازار، عملاً هیچ اقدامی برای ارزان قیمت وارد می‌شود، چنان صفی برای تخصیص ارز ایجاد شد که تا سال‌ها نیز امکان جمع‌آوری آن نبود و به جای دخالت مؤثر در حاشیه بازار غیررسمی اقتصاد داخلی، احکاد و گران فروشی در بازارهای کنترل قیمت افسار گسیخته از نگرند تا کار به جایی رسید که بازاربان اعتراض کردند و همزمان هم هیچ نظارتی بر خلق پول شبکه بانکی نشد تا وضعیت به اینجا برسد که بانک آینده با ورود قوه قضائیه منحل شود و چندین سال بی‌عملی بانک مرکزی وضعیت بدهی انباشته این بانک را بدتر کرد.

این کار شناس اقتصادی با اشاره به اهمیت اقدام دولت در حذف ارز ترجیحی گفت: اگر مسئله تخصیص ارز و تخصیص کالاها از گمرک حل نمی‌شد و کالابرگ به مردم اعطا نمی‌شد، معلوم نبود که چه وضعیتی در بازارها پیش می‌آمد و همزمان قاچاق گسترده کالاهای اساسی، احتکار و گران فروشی در بازارهای سیاه و همچنین نبود ارز برای واردات و صف چند ۱۰ میلیارد دلاری تخصیص ارز در نهایت کشور را به معضل می‌رساند، ولی اقدام به موقع دولت در حذف این رانت و تسریع در بازگشت ارز به همچنین تخصیص هدفمند کالاهای اساسی با اوراق گام یا دیگر وثایق سبب شد از موجی که دشمن و عواملش برای قحطی کالاها و راه رفتن روی اعصاب مردم ایجاد شده بود، فاصله بگیریم.

محمدی در پایان گفت: مقصر اصلی وضعیت امروز اقتصاد کشور همان‌هایی هستند که رانت ارز ترجیحی و ارزپاشی دلار تمشیتی را می‌بینند، ولی باز هم بر اعتدای ارز چندنرخ تأکید می‌کنند. آن کسی که امضای تلایی دارد به چه کسی ارز ترجیحی بدهد و به چه کسی ندهد و رانت را به عده‌ای خاص می‌دهد، ولی در قبال افزایش قیمت ارز در بازار آزاد هیچ کاری انجام نمی‌دهد، مقصر به هم ریختن زندگی مردم و اعتراضات به حق اقتصادی اخیر است. نمی‌شود با یک سازوکار از بنیه غلط کاری درست انجام شود و کسانی که این رانت گسترده را از سال ۹۷ پهن کردند چه در زمان ارز ۴۲۰۰ تومانی چه در زمان ارز ۲۸۵۰ و ۷۰ هزار تومانی، همگی در این بی‌عدالتی گسترده و تخلیه منابع ارزی کشور و افزایش افسار گسیخته قیمت از شر یک هستند و نمی‌توانند ردپای خود را پنهان کنند. مسئله افزایش افسار گسیخته قیمت از بازار غیررسمی عامل اصلی این اتفاقات بوده‌است که متأسفانه ارز ترجیحی نیز در وقوع این افزایش افسار گسیخته مؤثر بوده‌است.



محمد مهدی صافی آجوان

این اقدام می‌تواند با تقویت عرصه تولید، حمایت از پول ملی و کاهش رانت، مسیر رشد اقتصادی کشور را هموارتر کند.

وی یادآور شد: تجربه گذشته در حوزه قاچاق و سوءاستفاده‌های مالی نشان می‌دهد که اصلاح ساختارها حتی اگر در کوتاه‌مدت همراه با ناراضیانی باشد، در بلندمدت اثر مثبت دارد. وی در پایان خاطرنشان کرد: اعتراض‌ها یا ناراضیاتی‌هایی که اخیراً در کشور رخ داده، ربطی به حذف ارز ترجیحی ندارد.

قفل شدن اقتصاد و افزایش افسار گسیخته ارز در بازار آزاد

ارسالان محمدی، کارشناس اقتصادی نیز با انتقاد از برخی که قصد دارند اقدام شفافیت‌زا و مهم مجلس و دولت در اصلاح نظام ارزی کشور را به گونه‌ای دیگر جلوه دهند، خاطرنشان کرد: مسئله برخی که مخالف خط‌ر نشان کرد: اعتراض‌ها یا ناراضیاتی‌هایی که اخیراً خود به عنوان مدیر دولتی برای تعیین اینکه ارز رانتی ارزان قیمت را به چه کسی بدهند و به چه کسی ندهند، بوده‌است. مسئله برخی دیگر نیز این است که این رانت را می‌فرستند حالا که ارز به یک نرخ برابر در بازار رسیده و دیگر امکان رانت‌خواری و ویژه‌خواری وجود ندارد پس باید اقدام اصلاحی دولت را بزنبیم؛ هر دو یکی

حذف ارز ترجیحی اقدامی شجاعانه و مؤثر در ثبات اقتصاد

محمد میرزایی، نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه حذف ارز ترجیحی اقدامی شجاعانه و کم‌سابقه است، اظهار کرد: هیچ یک از رؤسای جمهور پیشین جرئت انجام چنین اصلاح ساختاری را نداشتند، اما دولت فعلی با وجود چالش‌های جدی این کار را عملیاتی کرده‌است. وی افزود: چندنرخ بودن ارز در کشور سبب ایجاد رانت گسترده و سوءاستفاده برخی گروه‌ها شده بود و این سیاست اقتصادی جدید با هدف کاهش این رانت‌ها و کنترل تورم اجرا شده‌است.

به گفته میرزایی، مشکلات و ناراضیاتی‌های کوتاه‌مدت قابل پیش‌بینی بود، اما ارزش این اقدام به مراتب بیشتر از هزینه‌های آن است. این نماینده مجلس تأکید کرد: اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مردم نقش کلیدی در موفقیت این طرح دارد و اگر مردم به درستی با مزایای آن آشنا شوند، استقبال عمومی افزایش خواهد یافت.

وی افزود: مسئولان اقتصادی کشور باید به طور شفاف و دقیق این تغییرات را برای مردم تبیین کنند و تاگرانی‌ها کاش یابد. میرزایی همچنین به تأثیر حذف ارز ترجیحی بر تولید داخلی اشاره کرد و گفت:

فساد بود، دلیل اصلی آسیب دیدن معیشت مردم و اعتراضات اخیر بود.

کارشناسان بر این باورند حذف ارز ترجیحی اثر توری می‌کند، اما توزیع ارز ارزان و رانتی در کشور طی سال‌های طولانی به معیشت مردم ضربه زد و ضد تولید ملی عمل کرد. اگر به طور دقیق مسائل اخیر را بررسی می‌مانند، این امر باعث می‌شد که فضای اقتصادی دو عامل بستگی ندارد و مجموعه‌ای از اقدامات کشور را به اینجا رساند. از یک سو رویه بانک مرکزی در اجرای

سیاست تثبیت نرخ ارز واردات به جای دخالت در حاشیه بازار غیررسمی موجب شد که شکاف بین نرخ رسمی واردات و نرخ بازار غیررسمی و آزاد آفندر زیاد شود که تقاضای سنگین واردات عملاً باعث قفل شدن تجارت خارجی کشور شد. علاوه بر ارز رانتی ارزان اساسی بخش خصوصی از وزارت اقتصاد و دولت بود. حالا مخالفان حذف ارز ترجیحی فریاد می‌زنند که مجربان حذف ارز ترجیحی باید پاسخگوی حوادث اخیر افراد باشند. اگر کمی با دقت به مسائل نگاه کنیم متوجه می‌شویم ارز و ترجیحی و رانتی مسبب اصلی گرانی‌ها و تورم در کشور است. این ارز ارزان که در اختیار عده اندکی قرار می‌گرفت و زمینه‌ساز

با دگرگونی‌های ارزی و حذف ارز ترجیحی، دولت و مجلس ناگزیر شده‌اند در ارقام مربوط به گندم بازنگری کنند. به‌طوری‌که در جریان بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۵، برای خرید تضمینی حدود ۱۰ میلیون تن گندم با نرخ جدید، مقرر شد ۵۰۴ هزار میلیارد تومان برای خرید تضمینی گندم در لایحه بودجه پیش‌بینی شود و نرخ خرید تضمینی به واردات بر این اساس تغییر پیدا کرد. بنابراین با این پیشنهاد قیمتی جدید که باید در شورای قیمت‌گذاری نیز به تصویب نهایی برسد، به صورت علی‌الحساب نرخ ۴۵ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم گندم پیشنهاد شده تا در منابع و مصارف اشتکالی ایجاد نشود. ■ ■ ■

گندم کالایی راهبردی محسوب می‌شود و سیاست خرید تضمینی آن یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت از بخش کشاورزی به‌شمار می‌رود. هر ساله شورای قیمت‌گذاری محصولات اساسی کشاورزی نرخ خرید تضمینی را تعیین می‌کند و دولت موظف می‌شود محصول کشاورزان را با آن قیمت خریداری کند. این سازوکار با هدف ایجاد اطمینان برای تولیدکننده و تضمین تأمین پایدار نان مردم طراحی شده‌است. در لایحه اولیه بودجه سال ۱۴۰۴، نرخ خرید تضمینی هر کیلوگرم گندم ۲۹ هزار و ۵۰۰ تومان در نظر گرفته شده بود و براساس همین نرخ، حدود ۲۹۰ هزار میلیارد تومان اعتبار پیش‌بینی شده بود. این رقم با توجه به شرایط اقتصادی زمان تدوین لایحه پیشنهاد شد، اما تحولات بعدی در حوزه نرخ ارز و حذف ارز ترجیحی، معادلات را تغییر داد. افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی از بذر و کود گرفته تا سوخت و ماشین‌آلات، هزینه تمام‌شده تولید را بالا برد و ضرورت بازنگری در نرخ خرید تضمینی را برجسته کرد.

دولت منابع تازه برای خرید گندم پیش‌بینی می‌کند

گندم ۴۵ هزار تومانی در راه است؟

با افزایش هزینه نهاده‌ها و حذف ارز ترجیحی، رقم خرید تضمینی هر کیلوگرم گندم برای سال زراعی جدید

نرخ ۴۵ هزار تومان به ازای هر کیلوگرم در شورای قیمت‌گذاری مطرح شده است



بسته سیاستی گسترده‌تر تلقی می‌شود که باید به شکل منسجم اجرا شود.

بودجه ۱۴۰۴ و انتعاط در برابر شرایط اقتصادی لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ در شرایطی بررسی می‌شود که اقتصاد کشور با نوسانات متعددی مواجه است. نرخ ارز، سطح عمومی قیمت‌ها و هزینه‌های تولید در وضعیت ثباتی قرار ندارند و همین امر پیش‌بینی دقیق منابع و مصارف را دشوار می‌کند. در صورت تغییرات جدید، دولت باید اصلاحات لازم را در قالب متمم یا اصلاحیه بودجه به مجلس ارائه دهد. این رویکرد نشان می‌دهد که سیاست خرید تضمینی گندم نمی‌تواند در چارچوب اعداد ثابت و غیر قابل تغییر تعریف شود. اگر هزینه‌های

اگر قیمت خرید تضمینی و به تبع آن قیمت‌های مرتبط در زنجیره گندم اصلاح نشود، انگیزه برای انتقال این محصول از چرخه مصرف انسانی به چرخه خوراک دام افزایش می‌یابد. چنین وضعیتی به معنای اتلاف منابع ارزی است. همچنین اصلاح قیمت، اقدامی پیشگیرانه برای حفظ پایداری تولید محسوب می‌شود و اگر قیمت خرید تضمینی فاصله معناداری با هزینه واقعی تولید داشته باشد، بخشی از کشاورزان از کشت گندم منصرف می‌شوند یا سطح زیر کشت کاهش می‌یابد. چنین روندی در میان مدت می‌تواند امنیت غذایی کشور را با چالش مواجه کند.

براساس برآوردهای اعلام‌شده، خرید ۱۰ میلیون تن گندم با نرخ جدید نیازمند اعتباری بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است. این افزایش اعتبار نسبت به رقم اولیه، بار مالی قابل توجهی برای بودجه ایجاد می‌کند، اما مدافعان این سیاست معتقدند که هزینه نکردن در این بخش، پیامدهای سنگین‌تری در آینده به همراه خواهد داشت.

نگرانی از انحراف مصرف گندم

یکی از نکات مورد تأکید، موضوع انحراف مصرف گندم است. در ماه‌های گذشته با افزایش قیمت جو و سایر نهاده‌های مورد نیاز دامداران و مرغداران، گزارش‌های تقصیر، معادلات را تغییر داد. افزایش قیمت نهاده‌های و طیور منتشر شده‌است. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که اختلاف قیمت میان گندم یارانه‌ای و نهاده‌های دامی افزایش پیدا کند.

تولید بیش از پیش افزایش یابد یا شرایط بازار دگرگون شود، بازنگری در ارقام اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در عین حال، هر گونه تغییر باید به گونه‌ای انجام شود که تعادل منابع و مصارف بودجه بر هم نخورد و کسری جدیدی ایجاد نشود. کارشناسان حوزه کشاورزی معتقدند، تسریع نرخ واقعی و منصفانه برای خرید تضمینی، شرط لازم برای خودکفایی نسبی در تولید گندم است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده‌است که هر گاه فاصله قیمت خرید تضمینی با واقعیت‌های بازار زیاد شده، تولید بافت مواجه شده‌است. از سوی دیگر، افزایش بیش از حد قیمت نیز می‌تواند آثار تورمی در زنجیره آرد و نان ایجاد کند. بنابراین سیاست‌گذار ناگزیر است میان حمایت از تولیدکننده و کنترل قیمت مصرف‌کننده توازن برقرار کند.

در مجموع، پیشنهاد نرخ ۴۵ هزار تومانی برای خرید تضمینی گندم در سال ۱۴۰۴، واکنشی به افزایش هزینه‌های تولید و نگرانی از انحراف مصرف این کالای اساسی به‌شمار می‌رود. اختصاص ۵۰۴ هزار میلیارد تومان اعتبار برای خرید ۱۰ میلیون تن گندم، نشان‌دهنده اهمیت این محصول در ساختار بودجه است. سرنوشت این پیشنهاد به تصویب نهایی در شورای قیمت‌گذاری و تصمیم نمایندگان مجلس در جریان بررسی بودجه گره خورده‌است. آنچه در نهایت اهمیت دارد، حفظ پایداری تولید داخلی و اطمینان از تأمین نان مردم است. اگر سیاست‌های حمایتی به‌موقع و متناسب با واقعیت‌های اقتصادی تنظیم شود، می‌توان انتظار داشت که زنجیره تولید تا مصرف گندم با کمترین تنش ادامه یابد. در غیر این صورت، فشار هزینه‌ها می‌تواند هم کشاورزان و هم مصرف‌کنندگان را با چالش‌های جدی روبرو کند.